

بررسی تاثیر راهبرد صدور انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک خاورمیانه و آغاز جنگ عراق و ایران

نویسندگان : سعید مکوندی گوداژدر<sup>۱</sup>، لنا عبدالخانی<sup>۲</sup>، فریدون اکبرزاده<sup>۳</sup>، روح الله شهابی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران:

[s.makvandi97@gmail.com](mailto:s.makvandi97@gmail.com)

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول):

[with.policy@gmail.com](mailto:with.policy@gmail.com)

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران :

[drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com](mailto:drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com)

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران:

[shahabi89@hotmail.com](mailto:shahabi89@hotmail.com)

### چکیده

با گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در حالی که گفتمان تمدن نوین اسلامی ایرانی به عنوان یک الگو در حال عرض اندام در مناسبات بین المللی و به خصوص ژئوپلیتیک خاورمیانه می باشد، برخی تحلیل گران معتقدند کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست مداخله در امور داخلی عراق و صدور انقلاب در پیش گرفته اند و آن را به عنوان عامل اصلی آغاز جنگ از سوی صدام، معرفی می کنند. در این مقاله تلاش شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا راهبرد جمهوری اسلامی ایران در صدور انقلاب، عامل اصلی آغاز جنگ از سوی صدام می باشد؟ با توجه به شکنندگی داخلی کشورهای عربی و همچنین مجموع مواضع حضرت امام خمینی (ره) و نیز بیانیه های رژیم بعث عراق، می توان دریافت این نظریه که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در خصوص صدور انقلاب، علت وقوع جنگ عراق علیه ایران می باشد به طور کلی مردود و فاقد دلایل علمی و متقن می باشد. روش تحقیق به صورت

توصیفی تحلیلی می باشد و جمع آوری داده ها به صورت اسنادی و کتابخانه ای می باشد این تحقیق از نظر زمان، مقطعی، از نظر متغیر مورد بررسی، کیفی و از نظر هدف، کاربردی است.

واژگان کلیدی: صدور انقلاب، ژئوپلیتیک، خاورمیانه، آغاز جنگ، ایران، عراق

#### مقدمه

وقوع انقلاب ایران و آرمان ها و ارزش های آن، تشدید نهضت های بنیادگرای اسلامی در منطقه، نداشتن شناخت لازم و کافی نخبگان حاکم از روندها و فرایندهای منطقه ای و فرامنطقه ای، فقدان استراتژی منطقه ای واقع بینانه و کارآمد، اختلافات داخلی و طرح مسئله صدور انقلاب، هم مبادلات امنیتی منطقه را بر هم زد و هم به طور جدی، منافع غرب را در خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس تهدید و غرب و کشورهای منطقه را در خصوص ژئوپلیتیک خاورمیانه بیش از پیش نگران کرد.

سقوط شاه علاوه بر آنکه منطقه را با خلاء قدرت مواجه ساخت، موجب شد که انقلاب اسلامی به عنوان عامل برتر در تغییر وضع موجود به طور بالقوه امکان ایفای نقش منطقه ای را از آن خود کند و مهم تر آن که برای اولین بار، دشمنی بسیار جدی در برابر اسرائیل ظاهر شد که نظام سیاسی و مردم تحت فرمانروایی آن به شدت از آن رژیم نفرت داشتند. تقابل جدید با اسرائیل، آن گونه که از پیام این انقلاب برمی آمد، برخلاف کشورهای عربی به منظور مصرف داخلی نبود و این خطر احساس می شد که با اتکا به انقلاب اسلامی اشکال جدیدی از

مبارزه علیه این رژیم ظاهر خواهد شد. از طرفی احساس خطری که کشورهای منطقه خاورمیانه به خصوص دولتهای عرب حوزه ی خلیج فارس از سرایت انقلاب ایران به کشورهایشان داشتند، نیز سبب می شد تا جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی برای حکومت هایشان فرض کنند. این مسئله همراه با تغییر رویکرد کشورهای صاحب نفوذ خارجی در مورد حکومت ایران، سبب شده بود تا کشورهای این منطقه، به رغم اطمینان دادن مسئولان جمهوری اسلامی مبنی بر برخورداری از هرگونه دخالت در کشورهای همسایه، با حکومت جدید ایران رابطه ی مطلوبی نداشته باشند. لذا کشور عراق توانست با بزرگنمایی مسئله صدور انقلاب و اظهار نگرانی از خطر گسترش ایدئولوژی شیعی انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک خاورمیانه و با توسل به ناسیونالیسم عربی حمایت اکثر کشورهای عربی را قبل از آغاز جنگ کسب نماید. حمایت کشورهای عربی از صدام باعث تقویت اراده ی وی برای حمله به ایران گردید به طوری که این حمایت بعد از آغاز جنگ هم ادامه داشته است. این حربه ی صدام چون موثر واقع شد که حتی سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) که از ابتدای پیروزی انقلاب با ایران همراه و همگام بود و از ایران حمایت می کرد، با شروع جنگ ابتدا اعلام بی طرفی نمود اما نگرانی از گسترش ایدئولوژی شیعی انقلاب ایران و تحت تأثیر ناسیونالیسم عربی در نهایت به سمت عراق گرایش پیدا کرد.

این تحقیق به دنبال آن است نشان دهد هر چند بعضی تحلیلگران اصرار دارند راهبرد صدور انقلاب اسلامی دلیل آغاز حمله عراق به ایران بوده است اما با توجه به تاثیر گذاری عمده عوامل بیرونی، عملاً شروع جنگ ایران و عراق اجتناب ناپذیر بوده و بحران های داخلی دیگر نظیر اختلافات داخلی و تحرکات نظامی خودمختاری، تسخیر سفارت آمریکا و کودتای نقاب منجر به واکنش و همسویی دیگر کشورهای قدرتمند خارجی با رژیم بعث عراق و در نتیجه تقویت اراده این نظام در تسریع حمله به ایران گردید.

### مسئله پژوهش

مسئله اصلی در این مقاله آن است که آیا راهبرد جمهوری اسلامی ایران در صدور انقلاب، عامل اصلی آغاز جنگ از سوی صدام می باشد؟ با توجه به مباحثی که در اوایل پیروزی انقلاب از سوی کارگزاران رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی ایران مطرح میشد برخی عقیده دارند این راهبرد عامل تحریک رژیم بعث عراق و آغاز جنگ علیه ایران می باشد.

### اهداف پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی تاثیر راهبرد صدور انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک خاورمیانه و آغاز جنگ عراق و ایران میباشد.

### نوآوری پژوهش

بیشتر آثاری که در حوزه دفاع مقدس نگاشته شده به بررسی و تحلیل وقایع بعد از جنگ پرداخته است و معمولاً از دیدگاه نظریه پردازان جنگ به آن نگریسته اند و تا کنون تحقیق مستدل و مبسوط در خصوص علل وقوع جنگ بصورت عام و تاثیر عوامل داخلی بصورت خاص کمتر بصورت عمومی منتشر شده است و این پژوهش کوشش دارد پنجره ای جدید به این موضوع گشوده و بصورت موردی بر راهبرد صدور انقلاب از سوی ایران و تاثیر آن بر آغاز جنگ عراق و ایران تمرکز شده است.

### روش شناسی پژوهش

روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می باشد و جمع آوری داده ها به صورت اسنادی و کتابخانه ای می باشد این تحقیق از نظر زمان، مقطعی، از نظر متغیر مورد بررسی، کیفی و از نظر هدف، کاربردی است. با توجه به شکنندگی داخلی کشورهای عربی و همچنین مجموع مواضع حضرت امام خمینی (ره) و نیز بیانیه های رژیم بعث عراق، مسئله پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

### اهمیت و ضرورت

اصولاً با توجه به درگیری عموم مردم با مبحث جنگ و تاثیر آن بر سطح رفاه و زندگی آنها، همواره مقوله جنگ تحمیلی و پرسش ها و ابهامات آن مورد بحث می باشد. در سالیان گذشته پرسش در مورد چرایی و چگونگی آغاز و پایان جنگ به نوعی تابو محسوب می شد و این بحث ها در میان مردم بصورت غیر علمی و همراه با شایعات فراوان در جریان بود. در سالیان اخیر و با ورود تکنولوژی و رسانه های اجتماعی فراوان مقوله جنگ بصورت علنی مورد پرسش افکار عمومی قرار گرفته است.

با گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در حالی که گفتمان تمدن نوین اسلامی ایرانی به عنوان یک الگو در حال عرض اندام در منطقه و مناسبات بین المللی می باشد، برخی تحلیل گران در صددند تا کارگزاران نظام جمهوری اسلامی را در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، به در پیش گرفتن سیاست مداخله در امور داخلی عراق و صدور انقلاب متهم نموده و آن را به عنوان عامل اصلی آغاز جنگ از سوی صدام، معرفی می کنند.

همچنین با توجه به اینکه هیچ گونه تغییری در ایدئولوژی اصلی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا پیش نیامده است، همواره امکان مواجهه با شرایط مشابه جنگ ایران و عراق با دیگر کشورها با شدت زیاد و کم وجود دارد که مذاقه بیشتر بر تجربه دلایل داخلی آغاز جنگ ایران و عراق می تواند، به تصمیم گیری در مواجهه با بحران در شرایط فعلی یاری رسان باشد.

### مرور ادبیات و پیشینه

در پژوهشی که در سال ۱۳۷۰ توسط آقای حسین یکتای کویخی در دانشگاه تهران با عنوان "مطالعه تئوریک در آغاز، تداوم و پایان جنگ ایران و عراق" صورت گرفته محقق به بررسی شرایط بین المللی و رقابت ابرقدرت ها و اثر انقلاب اسلامی ایران بر نظام دوقطبی و ساختاری منطقه و مواضع قدرت های بزرگ و جنگ ایران و عراق پرداخته است.

در پایان نامه دانشگاهی آقای اردشیر ناییبی در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تهران با موضوع "عراق و علل توسل به جنگ در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی"، نویسنده به عوامل داخلی تاثیرگذار بر رفتار تصمیم گیران عراقی درباره علل حمله عراق به ایران و کویت تاکید کرده است.

در پژوهشی که توسط آقای نعمت اله علی نیامریان در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین با عنوان "زمینه های بروز جنگ عراق علیه ایران (۱۳۵۹-۱۳۵۷)" صورت گرفته است تمرکز اصلی محقق بر روی مخالفت آمریکا با انقلاب ایران بوده و تلاش اصلی محقق، بررسی ریشه های جنگ از پیش از انقلاب تا شروع جنگ بوده است.

محمد درودیان در سال ۱۳۹۱ در کتاب «جنگ ایران و عراق موضوعات و مسائل» دو رویکرد متفاوت درباره روند شکل گیری جنگ بیان می کند: رویکرد اختلافات تاریخی و رویکرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران. بررسی اختلافات تاریخی در ذیل عنوان «ریشه های تجاوز» با تجزیه و تحلیل اختلافات ایران و عراق در دوره عثمانی تا کودتای عبدالکریم قاسم و پیروزی حزب بعث و جنگ ایران و عراق که موجب انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شد دنبال می شود. «علل» و «زمینه سازی جنگ» عناوینی است که برای توضیح رخدادهای سیاسی-نظامی ایران با عراق و آمریکا، در حداثی پیروزی انقلاب در سال ۵۷ تا زمان حمله عراق در سال ۵۹ مورد استفاده قرار می گیرد.

در کتاب «صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی(س)» از منشورات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در سال ۱۳۸۷، تنها به گزیده و گلچینی از سخنان و اظهارات امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی اشاره شده است و فاقد هرگونه تحلیل می‌باشد.

در هر کدام از این پژوهش‌ها، در موارد متناوب اشاره‌هایی به دلایل آغاز جنگ عراق و ایران و همچنین بحران‌های داخلی و خارجی و تاثیر آنها بر جنگ شده است. اما کمتر در خصوص صدور انقلاب که به سیاست و راهبرد جمهوری اسلامی تبدیل شد پرداخته شده است و همچنین در خصوص اینکه آیا این راهبرد دلیل اصلی آغاز جنگ عراق و ایران است، پژوهش مستقل و کاملی مشاهده نگردید. از این جهت پژوهش حاضر در نوع خود از نوآوری برخوردار می‌باشد.

### مباحث نظری

انقلاب اسلامی ایران با ورود به حوزه مناقشات عملی زندگی اجتماعی، ظرفیت خویش در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی را در معرض نمایش قرار داد. تغییر ساختار سیاسی حکومت پهلوی به جمهوری اسلامی بیانگر تحولی اساسی است و در جامعه‌شناسی سیاسی، صرفاً شورش و طغیان سیاسی تلقی نمی‌شود. در ضمن، با درک مفروضات در حوزه دانش «فرهنگ سیاسی» می‌توان اذعان نمود که تغییر ساختار سیاسی به طور پیشینی، مستلزم تغییر در فرهنگ و تحول در حوزه باورها و اندیشه‌های اجتماعی است. از این رو، انقلاب اسلامی ایران برای ورود به عرصه عینی مناقشات سیاسی و تغییر ساختار سیاسی از مرحله ذهنی تغییر باورها و ملاحظات فکری مردم نسبت به این نوع حکومت عبور کرده است.

بر خلاف باور طیف گسترده‌ای از جامعه‌شناسان که معتقد بودند در دنیای مدرن، دین رو به افول است، از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد موجی از اسلام‌گرایی، جهان اسلام - از جمله خاورمیانه، مصر، لیبی، الجزایر و غیره- را فراگرفت که یکی از مهم‌ترین خصایص آن، تکوین و ظهور گفتمان امام خمینی است که با استفاده خاص از اصول و مبانی با توجه خاص به مقتضیات زمان و مکان و اخذ عناصری از سایر گفتمان‌های رایج در ایران تکوین یافت و توانست با مغلوب نمودن گفتمان مسلط و به حاشیه راندن گفتمان‌های دیگر همانند اسلام سنتی، سوسیالیسم، سلطنت مشروطه و غیره در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ در ایران هژمونیک شود و به گفتمان حاکم و مسلط تبدیل شود. (باقری، ۱۳۹۴)

انقلاب اسلامی با تغییر ساختار حکومت سلطنتی پهلوی به ساختار جمهوری اسلامی، شکل و محتوای نظام سیاسی مطلوب خود را به نحو آشکاری مشخص کرده و حداقل در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، نظریه جدید

خود را برای اندیشمندان ارائه کرده است. این امر به معنای توقف نظام‌سازی انقلاب در حوزه سیاست نیست. این اعتقاد وجود دارد که انقلاب اسلامی در سیر جریان تکاملی خویش به سمت نظام‌سازی در حوزه فرهنگ، اقتصاد و سایر حوزه‌ها نیز در جریان است و کمابیش به عیان‌سازی نظام‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی پرداخته است. صرف نظر از میزان موفقیت در حوزه نظام‌سازی، اکنون ادعای نوشتار حاضر این است که پس از انقلاب اسلامی ایران و در فرایند شکل‌گیری، وقوع و پویای سیر تکاملی آن از سال ۱۳۵۷ تاکنون، «گفتمان انقلاب اسلامی» پا به عرصه وجود گذاشته است که بالندگی و پویندگی آن، قابلیت و امکان «تمدن‌سازی» را به آن بخشیده است. تا آنجا که تکوین گفتمان اصول‌گرایی شیعی و هژمونیک شدن آن در ایران در میان رشد امواج اصول‌گرایی در جهان اسلام (از جمله مصر، پاکستان، خاورمیانه و غیره) از اواخر دهه ۱۹۶۰ و بعد از آن، ذهن اکثر اندیشمندان را به خود مشغول کرده است.

مفهوم صدور انقلاب که اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سیاست و راهبرد جمهوری اسلامی تبدیل گردید ریشه در گذشته داشت و از این جهان بینی نشات می‌گرفت که انقلاب اسلامی می‌تواند به عنوان یک ابزار برای رهایی مسلمانان و غیرمسلمانان از زیر یوغ استعمار و استضعاف حکومت‌های سلطه‌گر جهانی و طاغوت‌های وابسته به امپریالیسم جهانی مورد استفاده قرار گیرد. از نظر انقلاب اسلامی هر دو ابرقدرت ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی به عنوان دو مرکز ثقل به اردوگاه غرب و شرق محور استثمار کشورهای جهان سوم به شمار می‌رفتند و بر این نکته اصرار می‌کرد که التزام و تعهد مجدد به اسلام می‌تواند این امکان را برای کلیه ملت‌های محروم فراهم کند تا همچون ملت ایران که نظام استبدادی شاهنشاهی را سرنگون کرد و به آزادی و استقلال خود دست یافت، آنها نیز نظام‌های استبدادی خود و همچنین نظام سلطه‌گر جهانی را نیز بر هم زنند و با تقلید از الگوی ایران خود را از زیر قید و بندهای استبداد گران و سلطه امپریالیستی رها کنند. صدور انقلاب اگرچه در ابتدا یک پدیده ذهنی بود اما در قالب اصل مهمی در سیاست خارجی کشور با عنوان نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی نهادینه شد و با درج آن در قانون اساسی به یک راهبرد همیشگی برای دولت جمهوری اسلامی تبدیل و ماندگار گردید همچنین چنانکه از تقریرات امام خمینی سالها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به هنگام تشریح موضوع ولایت فقیه برمی‌آید وی معتقد بود این الگوی حکومتی منحصر به کشور اسلامی نیست و فقها به کمک مردم یکایک جوامع اسلامی موظف اند در راه تشکیل این الگوی حکومتی اقدام کنند. (کامروا، ۱۳۷۸)

از نظر امام خمینی صدور انقلاب اسلامی به تمام جهان به خاطر اسلامی بودن آن و وظیفه و تکلیفی است که اسلام بر دوش مسلمانان قرار داده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این سیاست خارجی فعال و

تهاجمی را که هدفی جز وحدت جهان اسلام و گسترش حاکمیت خدا در سراسر جهان نداشت با عنوان تداوم انقلاب در داخل و خارج ثبت و ضبط نمود. همین مأموریت بود که بیش از هر هدف انقلابی دیگر مورد توجه رسانه ها قرار گرفت و نگرانی و ترسی را در غالب کشورهای غربی و همچنین دولت های منطقه ایجاد کرد. از نظر عراقی ها نیز تحول سیاسی اجتماعی در ایران مخاطره آمیز بود و در عین حال فرصت های جدیدی را در برابر عراق قرار داد. رئیس میز ایران در استخبارات عراق معتقد است با گسترش انقلاب و به قهقرا رفتن نقش شاه در ایران و آشکار شدن ناتوانی وی، برای عراق کاملاً مشخص بود که آنچه در ایران جریان دارد به نحوی بر عراق و منطقه تاثیر خواهد گذاشت و عراق می تواند نقش موثری در این قضایا ایفا نماید. علاوه بر این نگرانی بزرگ عراق ناشی از تأثیر انقلاب بر شیعیان عراق بود. پیروزی انقلاب در ایران و برقراری جمهوری اسلامی به تغییر سیاسی در روابط استراتژیک میان ایران و عراق انجامید. (خرمشاد، ۱۳۸۱)

بررسی مناقشات تاریخی و مرزی نشان می دهد، پس از فروپاشی حکومت عثمانی و تشکیل کشور عراق، همواره مناقشات مرزی بین ایران و عراق وجود داشته است و علیرغم معاهدات فی مابین، هیچ گاه بصورت اساسی مورد موافقت و رضایت طرفین نبوده و این موازنه قدرت بود که از آغاز جنگ جلوگیری می نمود و با وقوع انقلاب اسلامی و کاهش توان نظامی ایران، عراق این مقطع را به عنوان فرصتی تاریخی در نظر گرفته و نسبت به آغاز جنگ اقدام نمود.

یکی از مسائل مهمی که دولت و کشور عراق همواره با آن درگیر بوده، مناطق کرد نشین عراق بوده است که از قبل از وقوع انقلاب و توجه به سیاست های وقت، بعضاً مورد حمایت دولت ایران نیز بودند. به نحوی که حجم بالایی از توان نظامی عراق همواره درگیر این موضوع بودند. یکی از اهداف عراق از جنگ با ایران تعیین تکلیف نهایی وضعیت مناطق کردنشین عراق بود.

همچنین نگاهی به شخصیت صدام نشان می دهد، اصولاً صدام حسین دارای شخصیتی بود که به سبب حقارت های دوران کودکی به شدت به دنبال مطرح کردن خود به عنوان شخصیتی با نفوذ در میان ملت های عرب بوده و جایگاهی چون جمال عبدالناصر را برای خود متصور بود. لذا یکی از اهداف وی از جنگ با ایران و مطرح کردن مسائلی چون جزایر سه گانه و جداسازی خوزستان به عنوان سرزمین اعراب جهت رسیدن به این منظور بوده است.

اما بحران های داخلی ایجاد شده پس از وقوع انقلاب نیز باعث تسریع در آغاز حمله عراق به ایران گردید. تسخیر سفارت آمریکا، باعث نزدیکی آمریکا و غرب به عراق شدند و رژیم عراق را از بابت حمایت های جهانی مطمئن ساخت و در نتیجه باعث تقویت اراده جهت حمله به ایران شد.



همچنین صدور انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از شعارهای اصلی جمهوری اسلامی ایران موجب هراس کشورهای مستبد و پادشاهی منطقه گردید و لذا حمایت همه جانبه ای را از صدام جهت مقابله با صدور انقلاب اسلامی انجام داده و صدام از لحاظ اقتصادی نیز وضعیت مطلوبی برای تامین هزینه های جنگ متصور بود. کودتای نظامی نقاب و تصفیه و فرار بسیاری از افسران عالیرتبه ارتش ایران، نشان از هم گسیختگی نیروهای نظامی ایران داشت و بر همین اساس صدام حسین جنگی آسان و سریع را پیش بینی می کرد که به راحتی می تواند اهداف خود را از طریق جنگ محقق سازد.

همچنین سهم خواهی و اختلافات داخلی شدید میان گروه های سیاسی و تحركات نظامی خودمختاری که در بسیاری از مناطق مرزی ایران وجود داشت، حاکمیت را دچار بحران نموده بود در نتیجه باعث تقویت اراده رژیم بعث عراق و تسریع حمله عراق به ایران شدند. (براتعلی پور، ۱۳۹۵)

### صدور انقلاب اسلامی

انقلاب ها به دلیل اینکه حرکتی مبتنی بر اندیشه و تفکر هستند جهان پیرامون خود را تحت الشعاع قرار می دهند به عبارت دیگر انقلاب یک روند و یک جریان مستمر اندیشه با تفکر و عقیده است که به صورت حرکت عینی در جامعه تجلی می یابد بنابراین هیچگاه نمی توان آن را از حرکت باز داشت به ویژه اگر انقلابی متکی بر عقاید جهان بینی و اندیشه الهی باشد.

انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت ایدئولوژیک و اهداف فراملی خود از یک طرف با دشمنی دولتهای غیر مردمی منطقه و قدرتهای حاکم جهانی مواجه شده و از طرفی با گرایش ویژه ملت ها و به صورت خاص مسلمانها به این پدیده بی نظیر قرن الزام های استراتژیک ویژه ای به وجود آورده است که موفقیت انقلاب اسلامی در مقابل نظام سلطه را به شناخت مناسب فرصت ها و تهدیدهای منطقه ای گره زده است.

انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت دینی و آرمان های ذاتی خود، ضمن برپایی جمهوری اسلامی ایران، تاثیر گسترده ای بر افکار عمومی جهان به ویژه مسلمانان و به صورت خاص بر شیعیان گذاشت.

جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش کرده است تا انقلاب اسلامی را به عنوان نمونه ای از حرکت شجاعانه ملت ایران در مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و دیگر ملت های مسلمان و غیرمسلمان جهان معرفی کند تا آنان نیز از حقوق و شیوه دستیابی به حقوق خود آگاه گردند. همین تلاش برای گسترش انقلاب به خارج از مرزها بوده که قدرت های حافظ وضع موجود جهانی و منطقه ای را شدیداً نگران ساخته و به مقابله با آن وا داشته است.

تجربه‌ی تاریخی نشان داده است که همه حرکت‌های انقلابی به نوعی تلاش نموده اند تا افکار و اندیشه‌های خود را به بیرون از مرزها گسترش دهند.

کرین بریتون<sup>۱</sup> معتقد است که: انقلاب‌ها در سراسر تاریخ همگی به دنبال گسترش پیام انقلاب خودشان بوده اند. (Brinton Crane, ۱۹۶۵)

گرچه در بعضی موارد گسترش ایده‌ها و عقاید با فتح سرزمین‌ها مبدل شده است؛ اما ایده‌ی برون‌گرایی بسط محورایدنولوژیک، اساس مبارزه خود را بر جنگ ارزش‌ها و انتشار عقاید و افکار خود در قالب یک سیستم منطقه‌ای یا نظام جهانی استوار می‌کند، بدون این که خواهان گسترش ارضی، تحمیل اراده‌ی خود به شیوه قهرآمیز به همسایگان باشد.

### شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ماهیت آن

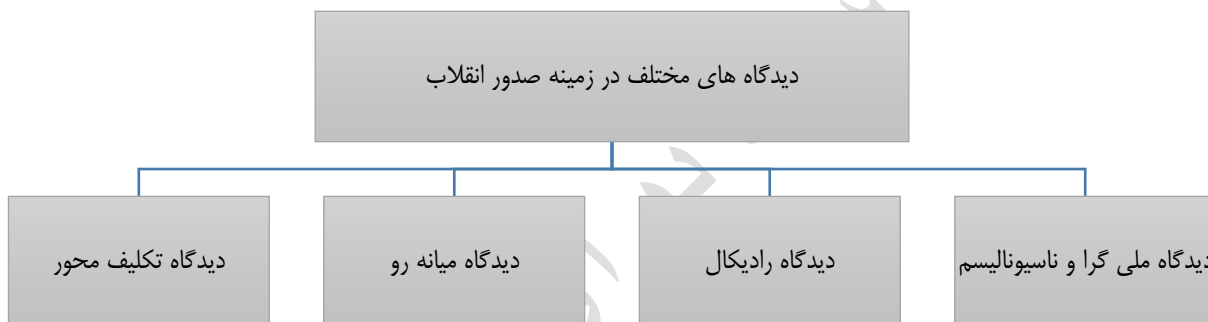
سیاست خارجی بخش مهمی از سیاست‌های کلان حکومتی است که با تغییر حکومت‌ها دستخوش تغییرات گسترده‌ای در مبانی و روش می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سیاست خارجی ایران دچار تحول ماهیتی و ساختاری شد و نظام بین‌الملل و نظم دو قطبی جهانی را نیز تحت تاثیر قرار داد بدین ترتیب که در فرایند انقلاب اسلامی گفتمانی هژمونیک شکل گرفت که ریشه در سنت اسلامی داشت این گفتمان انقلابی معیارهای جدیدی را در عرصه‌های ملی و فراملی ارائه داد و گفتمان حاکم بر روابط بین‌المللی را به مبارزه طلبید و نظم موجود را مورد تردید و تهدید قرار داد این تحول در سال‌های نخستین به گفتمانی واحد منتهی نشد و موجب به وجود آمدن دو گفتمان متفاوت "ملی‌گرایی لیبرال" و "آرمان‌گرایی اسلامی" شد از همان ابتدای پیروزی انقلاب امام خمینی معتقد بود که سیاست خارجی باید ماهیت جهانشمولی داشته باشد آنچه را که رهبر انقلاب اسلامی ایران تبیین کردند نماد مقابله با ساختها و نهادها در نظام بین‌الملل بود. از این رو، آرمان‌گرایی اسلامی شالوده اصلی تفکرات ایشان در مورد سیاست و روابط خارجی بوده است بنابراین "نه شرقی نه غربی" موضوع محوری سیاست و روابط خارجی ایران را در دوره پس از انقلاب اسلامی بوده که بر اساس آن ایران باید از منافع نظام دو قطبی حمایت نمی‌کرد و وابسته به آن نمی‌بود بلکه باید در جرگه کشورهای غیر متعهد قرار می‌گرفت. (دهقانی فیروز آبادی & رادفر، ۱۳۸۹)

ملی‌گرایان اسلامی علیرغم پذیرفتن آرمان حکومت جهانی واحد در عصر ظهور امام عصر (عج) در دوره غیبت بیشتر به اهداف ملی و خدمت به وطن از طریق اسلام نظر داشتند، اسلام‌گرایان امت محور به صدور انقلاب و

<sup>۱</sup> Brinton Crane

نظریه ام القرا معتقد بودند که مهم‌ترین شاخص‌های هر دو موضوع نفی علائم ملی و مکتب‌گرایی و تکلیف‌گرایی و پیروی از سیاست "نه شرقی نه غربی" و عدم تعهد در قبال ابرقدرت‌ها بود. این گروه حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان و حمایت از نهضت‌های رایجی بخش با اولویت نهضت‌های اسلامی را وظیفه خود و برنامه اصلی انقلاب و سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران می‌دانست. (فلاح نژاد، ۱۳۸۴)

دیدگاه‌های مختلف در زمینه صدور انقلاب



۱- دیدگاه ملی‌گرایی و ناسیونالیسم:

این دیدگاه با تفکیک منافع ملی و منافع آرمانی، اصالت را به منافع ملی می‌دهند. طرفداران این دیدگاه مدعی بودند، تنها باید در قبال ملت ایران احساس مسئولیت نمود و محور اصلی توسعه و رشد بر اساس ایرانیت بنا نهاده شود و برخورد ارزشی با نظام جهان را مطرود می‌دانستند و ارزش‌های انقلاب را تنها در چارچوب‌های مرزهای ملی قبول داشته و معتقد بودند که باید از ایجاد حساسیت‌های جهانی دوری جست و صرفاً به دنبال ایجاد ایرانی آباد، آزاد و مستقل بود. (معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، ۱۳۷۱)

۲- دیدگاه رادیکال:

این دیدگاه دیدگاهی ایدئولوژیک و آرمانگرا بود در این دیدگاه منافع ملی با منافع آرمانی یکسان فرض شده و اولویت در سیاست خارجی به منافع ایدئولوژیک آن هم از موضع خشن و سرکوبگرانه داده می شود. از نگاه آنان مرزهای ملی ساخته دوران سلطه استعمار بوده و معتقد بودند که جهان یکپارچه اسلامی بر اساس تهاجم ناسیونالیسم و استعمار تجزیه شده است. این گروه به "تئوری توطئه" اعتقاد داشته و تمام عقب ماندگی های کشورهای مسلمان را ناشی از توطئه کشورهای استعمارگر می دانستند.

### ۳- دیدگاه میانه رو:

این دیدگاه معتقد است که اول باید در داخل یک جامعه نمونه و الگو بسازیم تا دیگران از آن الگو برداری کنند و از تمامی ابزارهای انقلابی و قانونی برای تحقق این هدف استفاده نماییم در واقع این دیدگاه تلفیقی از دو دیدگاه قبلی است و منافع آرمانی و ایدئولوژیک را مخصوص داخل کشور و در عرصه بین المللی تنها منافع ملی را به رسمیت می شناسد. از دیدگاه آنان هر جا که مصالح و منافع ملی اقتضا نمود و شرایط نیز آماده بود به رژیم های وابسته و مستبد ضربه وارد نماییم و اگر شرایط مناسب نبود اقدام به یک مصالحه بین المللی نموده و با تفاهم کشورهای قدرتمند به وضع موجود ادامه دهیم.

### ۴- دیدگاه تکلیف محور و واقع بین منطبق بر اسلام ناب محمدی (ص):

در این دیدگاه بستن مرزها و محدودیت در چارچوب منافع ملی بدون توجه به سرنوشت سایر ملت ها نفی و به کارگیری شیوه های تهاجمی و قهر آمیز که یادآور دوره استعمار و استثمار گذشته است و همچنین نگاه ابزاری به صدور انقلاب مطرود می باشد.

ماهیت اصلی این تفکر مبتنی بر نفی ظلم و ظلم پذیری، نفی سلطه و سلطه گری و نفی سکوت و برخورد انفعالی است.

این دیدگاه که صدور انقلاب را به دلایل مختلفی چون: جهانی بودن دین اسلام، تکلیف بودن ترویج اندیشه های اسلامی، احساس وظیفه مسلمانان نسبت به مظلومان عالم، لزوم دشمنی با ظالمین و همچنین با توجه به اینکه مخاطبان انقلاب اسلامی ملت ها هستند آگاهی دادن و حمایت از مظلومان در قالب اصول و مفاهیمی از قبیل: جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دعوت، تبلیغ و... را به عنوان اصلی خدشه ناپذیر تلقی نموده و مخالفت با بروز اندیشه های التقاطی و غیر اسلامی در جهت گیری انقلاب در سطح ملی، منطقه ای و جهانی را در زمینه "صدور انقلاب" مورد توجه قرار می دهد.

### استراتژی صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی(ره)

با توجه به جایگاه والای رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران و بر اساس اصل ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون اساسی که بخش مهمی از وظایف و اختیارات رهبری را تعیین سیاست ها و راهبردهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران می داند بنابراین مهمترین و محوری ترین فرد برای تعیین سمت و سوی سیاست خارجی مقام رهبری است، لذا به بررسی استراتژی صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی پرداخته می شود.

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) علاوه بر آزادی و سرنگونی نظام استبدادی شاهنشاهی، خواستار استقرار نظام جمهوری اسلامی، قطع وابستگی به قدرت های خارجی و مبارزه با سلطه جویی آنان در جهان بود.

مفهوم استقلال از نظر امام خمینی(ره) دارای دو جنبه بود. جنبه ی نخست آن بر "خودکفایی" در مقابل وابستگی رژیم پهلوی به غرب دلالت داشت اما این برداشت خودکفایی هیچ گاه به معنی قطع رابطه با جهان اطراف و انزوا تلقی نشد. اما برداشت دیگری نیز از استقلال وجود داشت که در واقع با معنی صدور انقلاب سازگارتر بود آن نفی شرق و غرب بود که در تاریخ به عنوان استعمارگران ملت ایران و دیگر ملت ها و همچنین استثمارگران منابع آنها شناخته شده بودند. این جنبه از استقلال از آغاز انقلاب و حتی قبل از شکل گیری انقلاب به صورت شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" مطرح شده بود که نشانگر عزم انقلاب اسلامی برای پیمودن راهی متفاوت بود.

حضرت امام(ره) استفاده از هر ابزار و روش برای صدور انقلاب را نفی می کنند و می فرمایند: «ما که می گوئیم می خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی خواهیم با شمشیر باشد، بلکه می خواهیم با تبلیغ باشد. مایی که می خواهیم اسلام در همه جا باشد و می خواهیم اسلام صادر بشود، ما که نمی گوئیم که می خواهیم با سرنیزه صادر بکنیم، ما می خواهیم با دعوت،..... به همه جا اسلام را صادر کنیم. ما که می گوئیم اسلام را ما می خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می توانیم. (صحیفه امام، ج ۱۸ ص ۷۲-۱۵۷-۳۶۴)

از نظر امام خمینی(ره) صدور انقلاب یک وظیفه ی حتمی و انقلابی به شمار می آید و در صورتی موفق خواهد شد که بتواند در داخل نیز یک الگوی موفق تدارک دیده و به عنوان نمونه تلقی شود. ایشان در این زمینه می فرمایند که: «اگر چنانچه اسلام به آن معنایی که هست در ایران تحقق پیدا بکند، مطمئن باشید که کشورها یکی بعد از دیگری همین رویه را پیدا می کنند». (صحیفه امام ج ۱۰ ص ۱۸۰)

می توان گفت امام، استراتژی " صدور انقلاب " را بر پایه مجموعه‌ای از اهداف و برنامه‌ها چون الگوسازی، تبلیغ و آگاه سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادیبخش می‌دانستند. (فرزندی، ۱۳۹۵)

عقیده امام بر این نظریه استوار است که اساس انقلاب اسلامی بر بیداری و روشنگری مردم جهان بنا نهاده شده است و معنی واقعی انقلاب نیز در بیداری ملت‌ها و دولت‌ها نهفته است و یکی از شعارهای استراتژیک امام در انقلاب اسلامی وحدت سیاسی الهی و همبستگی در جهان اسلام بود. در یک جمع‌بندی کلی دیدگاه امام در مورد صدور انقلاب را می‌توان این گونه ذکر کرد: تاکید بر تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام و انقلاب در داخل کشور و تلاش برای رسیدن به خودکفایی، ختم چپاول‌ها و مداخلات خارجی و تلاش برای اشاعه‌ی ارزش‌های اصیل اسلامی و آرمان‌های انقلاب در خارج از راه مسالمت‌آمیز و مشروع و به دور از تنش و زور.

خط مشی امام خمینی (ره) در زمینه صدور انقلاب هم با تاکید بر ملت‌ها، دفاع از مظلومان و مستضعفان، حمایت همه جانبه از مسلمانان و نهضت‌های آزادیبخش، تهاجم علیه کانون‌های ظلم و سران کفر جهانی و تداوم مبارزه آشتی ناپذیر با استکبار، صهیونیسم، تعیین ایام و برنامه‌هایی در راستای حمایت از مظلومان و مبارزه با ستمگران (تعیین روز قدس، برپایی حج ابراهیمی، تسلیم ناپذیری در مقابل انواع توطئه دشمنان... ) ترسیم، تبیین و اجرا شده است. تکیه بر ابزار مشروع و کارآمد چون نهادها و ارگان‌های متولی امور فرهنگی سیاسی و تبلیغی و توجه به عوامل زمینه ساز و شناخت و چاره جویی درباره موانع و مشکلات پیش رو، بعد دیگری از استراتژی صدور انقلاب است که می‌توان در مواضع و رهنمودهای ایشان استنباط و تبیین نمود.

با بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌توان گفت مبانی دیپلماسی ایران بر این اصول مبتنی است:

- ۱- قاعده نفی سبیل: انسداد راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمانان
- ۲- اصل دعوت: شناساندن پیام معنوی، فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی به جهانیان.
- ۳- تولی و تبری: تولی به معنای دوستی با کشورهای برادر و دوست و تبری به معنای موضع‌گیری انکاری آحاد مسلمانان در مقابل نظام‌های کافر و مشرک .
- ۴- اصل تالیف قلوب: پشتیبانی از مبارزان مسلمان برای افزایش توان پایداری و مقاومت آنها در برابر غاصبان و مداخله‌گران و حمایت از نهضت‌های آزادیبخش و آزادی خواه و مستضعف. (دهشیری، ۱۳۸۰)

### صدور انقلاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی

با توجه به ماهیت و هویت نظام جمهوری اسلامی، اصول سیاست خارجی آن از دین مبین اسلام و ایدئولوژی اسلامی نشأت می‌گیرد و چون اسلام مقوله‌ای جهان شمول است و به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود،

قانون اساسی نیز توجه ویژه‌ای به مسائل خارج از مرزها نموده و رسالت جهانی، برقراری عدالت جهانی، ظلم ستیزی و حمایت از مظلومان، سعادت و رستگاری بشریت، تعهد برادرانه نسبت به مستضعفان عالم به نحو بارزی نشان داده شده است و هدف خود را وحدت جهان اسلام و حاکمیت خداوند در سراسر عالم قرار داده است. در مقدمه قانون اساسی در بخش شیوه حکومت در اسلام آمده است: «رسالت قانون اساسی این است که زمینه های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزشهای والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی، با توجه به عنوان "اسلامی" انقلاب ایران، که حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند. به ویژه، در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحده‌ی جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.» (قانون اساسی ص ۵۵-۵۶)

اصل ۱۱ قانون اساسی با استناد به آیه ۹۲ سوره انبیا، اصل وحدت بین مسلمانان را به عنوان یک هدف تصریح کرده است و جامعه اسلامی را یک امت واحد معرفی می‌کند و مسلمانان را به عبادت خداوند فرا می‌خواند. بدیهی است که تحقق وحدت جهان اسلام در همه زمینه‌ها چیزی جز صدور ارزش‌های انقلاب و اسلام نیست. در اصل یکصد و پنجاه و دو قانون اساسی، آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، و دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری و تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر بر اساس قاعده نفی سبیل به صراحت در قانون اساسی بیان شده است. لذا همان‌طور که دولت جمهوری اسلامی در حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور می‌کوشد، در دفاع از حقوق مسلمانان هم مسئول است و طبیعی است که روشی بهتر و اصیل‌تر از "صدور انقلاب" برای دفاع صادقانه از مسلمانان بر مبنای وظیفه شرعی و قانونی وجود ندارد.

به طور کلی حمایت از حقوق همه انسانها خصوصاً مظلومان، محرومان و مستضعفان، از دیدگاه اسلام وظیفه‌ی اساسی برای همه مسلمانان است. مسلمانان نمی‌توانند نسبت به سعادت و خوشبختی و حقوق انسانهای دیگر بی‌تفاوت باشند؛ زیرا حمایت از اصول و ارزش‌های انسانی و تلاش در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های مشترک بشری و بالاخره حمایت از عدالت و آزادی و استقلال و صلح و امنیت از آموزه‌های روشن و بدیهی اسلام است.

در مجموع، اصول ذکر شده سعادت انسان در کل جامعه ی بشری را هدفی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده و مسئله " صدور انقلاب " را به عنوان یک وظیفه برای دولتمردان و آحاد ملت ایران مورد توجه قرار داده است.

### سیاست صدور انقلاب اسلامی و کشور عراق

پیام انقلاب اسلامی بیش از هر چیز، به دلیل بافت جمعیتی برای عراق خطرناک محسوب می شد حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد این جمعیت سنی و بیش از ۵۵ تا ۶۰ درصد شیعه بودند و حکومت در اختیار اقلیت سنی بود از این رو، این خطر وجود داشت که جمعیت شیعه مذهب به پیام انقلاب اسلامی جواب مثبت دهند.

تا قبل از انقلاب اسلامی به دلیل اینکه ماهیت رژیم پهلوی مبانی اعتقادی در خود نداشت و شرایط تهدید کننده ای برای عراق ایجاد نمی کرد میان مردم عرب جنوب ایران و جنوب عراق و کردهای شمال غرب ایران و شمال شرق عراق ارتباطات و تعامل فرهنگی تاریخی و ریشه داری وجود داشت. بسیاری از مردم عرب خوزستان در عراق خویشاوند داشتند یعنی این تعامل فرهنگی تا حد ارتباطات خانوادگی پیش رفته و وضعیتی را پیش آورده بود که با وقوع انقلاب اسلامی و ویژگی هایی که داشت اولین خطر متوجه عراق می شد زیرا ارتباط بین مردم ایران و عراق به ویژه در مناطق جنوب عراق و ایران و به طور ویژه در خوزستان بسیار فراوان و تنگاتنگ بود. شاید اگر این روابط عمیق فرهنگی و اجتماعی مردم ایران و عراق را با مسائل اعتقادی و دینی یعنی وجود حوزه های دینی قم و نجف و تعاملی که با یکدیگر داشتند را ممزوج کنیم، اهمیت موضوع روشن تر می شود؛ زیرا به طور طبیعی انتقال مسائل انقلاب به آسان ترین راه ممکن اتفاق می افتاد و وجود تعاملات حوزه های دینی کار را به شدت برای عراقی ها سخت می کرد این موضوع در جریان صدور انقلاب و تمایل مردم به انقلاب اسلامی، عراق را تهدید و مسائل را پیچیده تر می کرد.

پس یکی از معضلات ویژه ی صدام و حزب بعث، این بود که با توجه به تعاملات عمیق فرهنگی و اعتقادی که بین مردم ایران و عراق وجود دارد، امکان صدور انقلاب وجود داشت و از سوی دیگر، عراق به عنوان اولین کشوری که مرز مشترک زیادی با ایران دارد، خطر زیادی را به شدت احساس می کرد. کشور عراق مرز مشترک زیادی با ایران داشت و پس از ایران بزرگترین کشور شیعه و دارای حوزه های علمیه قوی در نجف بود که با ایران تعامل داشتند. از سوی دیگر تعامل فرهنگی و اجتماعی دو ملت ایران و عراق بسیار زیاد بود؛ به همین دلایل بود که حزب بعث، به شدت نسبت به صدور انقلاب اسلامی ایران به عراق حساس بود و با تمام وجود



نگرانی خود را بروز می‌داد تا صدور انقلاب رخ ندهد. بر همین اساس ناآرامی‌هایی را که در عراق آغاز شده بود را با سرکوب شدید و به شهادت رساندن رهبر مبارز آیت الله سید محمد باقر صدر و خواهر ایشان بنت الهدی صدر، مهار نمود.

صدام حسین تلاش کرد تا در جنگ با ایران، اختلافات قومی - فرهنگی کشورهای عربی و ایرانیان را اصل قرار دهد. وی با این کار امیدوار بوده است که بتواند نبردش را با ایران به منزله بخشی از منازعه‌ی تاریخی عرب‌ها و ایرانیان قلمداد کند و به این ترتیب، مسئولیت آغاز جنگ را از دوش خود بردارد و از حمایت کشورهای عربی در جهت اهداف خود بهره‌مند گردد و در نهایت خود را به عنوان رهبر بلامنزاع جهان عرب معرفی نماید.

در واقع صدام اینگونه وانمود می‌کرد که کشور عراق به دلیل پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌اش می‌تواند در وضعیت نگران‌کننده‌ی ناشی از تحولات انقلابی ایران، نقش حامی برادران عربش را ایفا کند و شیوخ خلیج فارس را مطمئن سازد که عراق می‌تواند از آنان در برابر تأثیرات و پیامدهای انقلاب ایران محافظت نماید. پیروزی انقلاب اسلامی چه در منطقه‌ی خاورمیانه و چه فراتر از خاورمیانه فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پدید آورد. از این رو، بسیاری از کشورها، که این انقلاب منافع آنها را تهدید یا تأمین می‌کرد در برابر آن موضع‌گیری کردند. به طوری که کسینجر اظهار کرد: «خاورمیانه با چهار خطر روبرو شد: اول رادیکالیسم شیعه، دوم بنیادگرایی اسلامی، سوم انقلاب اسلامی ایران و چهارم شوروی».

وی در جای دیگری یادآور شد: «خطر مستقیم انقلاب ایران، خطر درازمدت اتحاد جماهیر شوروی را تحت تأثیر خود قرار داده است. ایران همواره کابوس‌های اعراب را برمی‌انگیزد». (یزدان فام، ۱۳۸۸)

مارگارت تاچر نخست‌وزیر اسبق انگلستان هم خطر ایران را بیشتر از شوروی می‌دانست و می‌گفت: «غربی‌ها از شوروی واهمه ندارند، چون در مقابل سلاح‌های نظامی ویرانگر شوروی ما نیز به سلاح‌های مدرن مجهزیم، اما از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران نگرانیم». (خرمشاد، ۱۳۸۱)

(بسیاری از کشورها وجود ایرانی انقلابی و مستقل در منطقه را بر نمی‌تابیدند و به شدت از گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی نگران بودند. زیرا انقلاب ایران سکولار سازی در منطقه را به چالش کشیده بود و مذهبی‌گرایی را در برابر آن قرار داده بود) (Fox, ۲۰۰۸).

انقلاب اسلامی یک انقلاب دینی و ضد استکباری است که تنها به واژگونی کامل استبداد اکتفا نکرده و در واقع انقلابی در فرهنگ انقلاب‌های جهان به وجود آورد. انقلاب اسلامی رژیم شاهنشاهی را سرنگون و حکومت اسلامی را برقرار کرد و به خاطر ماهیت ضد استکباری خود از همان ابتدا با دشمنی تمام ابرقدرت‌ها روبه‌رو بوده است. در انقلاب اسلامی ایران بنیانگذار انقلاب، قاطعانه و به صراحت تأکید بر صدور انقلاب داشت و

در مقابل عده قلیلی که گاه مخالف صدور انقلاب بودند تاکید داشتند که ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم. در انقلاب اسلامی ایران همواره گفتمان غالب، همان گفتمان امام بوده است. امام ضمن تاکید بر صدور انقلاب، قائل به صدور نرم بودند و می فرمودند که انقلاب را با شمشیر نباید صادر کرد بلکه با تبلیغ راستین اسلام و بیدار کردن ملت‌ها و دولت‌ها باید این امر صورت بپذیرد، و در شیوه صدور انقلاب نیز صدور انقلاب را با صدور فکر و ایمان و صدور فرهنگی و ارائه ی الگوهای مناسب اقتصادی، دموکراسی و عدالت مند میسر می دانستند. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران نیز در گفتمان‌های سیاسی مختلف به وجود آمده، همواره صدور نرم انقلاب مورد توجه مسئولین کشور بوده است و در صحنه عمل نیز اقدامی در جهت صدور قهرآمیز انجام نداد و هیچ گاه استفاده از اقدامات و مداخلات علنی در دیگر کشورها به طور رسمی در دستور کار سیاست خارجی قرار نگرفته است. استفاده از ابزارهای خشونت آمیز برای صدور انقلاب در هیچ کدام از دیدگاه‌های رسمی وارد نشده است.

### شکندگی داخلی ۲ یا ضربه پذیری داخلی:

نظام ایرانی زاینده‌ی گفتمان انقلاب اسلامی با ره‌آوردهای مربوط به آن مانند استقلال‌طلبی، جمهوریت، مردم سالاری و آزادی در چارچوب گفتمانی اسلام، به خودی خود در دل رژیم‌های مرتجع و عقب‌مانده نگه داشته شده در منطقه خاورمیانه ترس و دلهره و اضطراب به وجود می‌آورد. امری که در رهیافت‌های فکری مربوط در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از آن به شکندگی داخلی یاد می‌کنند. به عبارت دیگر لازم نیست که ایران بخواهد ایده و مولفه‌های انقلاب اسلامی را به زور به آنها منتقل کند یا صادر نماید، بلکه شاکله و ساختار خود نظام ایرانی برای اینان ترس و دلهره ایجاد می‌کند و آنها را به عمل انفعالی و ایذایی در مقابل ایران دعوت می‌کند و این متاسفانه فرایندی است که باعث شده تا این رژیم‌ها به سرکردگی رژیم عربستان سعودی به سمت سیاست‌های ضد ایرانی متمایل شوند که طی آن میلیاردها دلار را به شکل خشونت آمیز بر علیه ایران بسیج نمودند. (سپتمبر، ۱۳۸۹)

تکنیکی که بحران در منطقه را تفسیر می‌کند، شکندگی داخلی است یعنی ایران و ایده‌های جمهوری اسلامی ترس را در آنها ایجاد می‌کند. تحولاتی که بعد از انقلاب اسلامی رخ داده از دیدگاه رئالیستی ایران همیشه به عنوان نیروی برهم زننده جلوه داده شده در صورتی که تمام این برهم زننده‌ای بیشتر از جانب خودشان است.

---

<sup>۲</sup> Internal Vulnerability

کنشگران عرب منطقه خاورمیانه، متأسفانه چون رژیم‌هایی هستند که پایه‌های مردمی ندارند و در مقابل متغیر انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس قرار می‌گیرند، دچار «شکنندگی داخلی» یا «ضربه پذیری داخلی» هستند. بنابراین لازم نیست که اسلحه و نیرو در برابر آنها و برای آن چیزی که آنها می‌گویند، یعنی صدور انقلاب ارسال کرد، این کشورها با توجه به مشکلات داخلی خود و نیز جاذبه گفتمانی انقلاب اسلامی با مشکل مواجه می‌شوند. این مورد باعث می‌شود که آنها به خودی خود از ایران هراس داشته باشند. این کشورها دو بحران اصلی دارند؛ «بحران هویت» و «بحران مشروعیت»، با عنایت به این ویژگی‌ها، کشورهای مثل عربستان، چارچوب ادراکی آنها، این کشورها را برای شکل دادن به «چسب حفاظتی» از خود، به سوی رژیم صهیونیستی و بعضاً آمریکا سوق می‌دهد.

### یافته‌های تحقیق

دفاع مقدس مردم ایران در برابر هشت سال تجاوز رژیم تا بن دندان مسلح بعثی عراق، یکی از باشکوه‌ترین صحنه‌های تاریخ ایستادگی و مقاومت کشور ما در برابر تهاجم بیگانگان می‌باشد. این جنگ در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به صورت رسمی از سوی صدام بر علیه کشورمان تحمیل شد و هدف آن نیز نابود کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران بود و این واقعیتی است که امروزه کمترین شک و تردیدی در آن نمی‌توان روا داشت، تا جایی که حتی سازمان ملل متحد که در دوران جنگ، همواره بیشترین جانبداری را به نفع صدام داشت، سرانجام ناچار شد اعتراف نماید که عراق، مسئول آغاز جنگ می‌باشد، با این حال اخیراً برخی در صدد برآمده‌اند تا با کتمان حقایق، دروغ پردازی و سوء استفاده از برخی شواهد و تفسیر آنها به نفع غرض خویش، چنین وانمود نمایند که «آنچه باعث آغاز جنگ از سوی صدام بود، سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه از جمله عراق و صدور تروریسم به این کشور در راستای صدور انقلاب بود و در واقع رژیم صدام در راستای دفاع از خود، مجبور به حمله به ایران شد» هم چنین این گروه معتقدند؛ دولت عراق یکی از نخستین دولت‌هایی بود که حسن نیت خود را به نظام جدید کشور نشان داده بود، اما سیاست‌های خصمانه و مداخله‌گرانه ایران بر علیه این رژیم، باعث شد تا این کشور موضع خود را خصمانه نموده و در نهایت برای دفاع از خویش مجبور به حمله به ایران شود.

البته مهم‌ترین نقد این دیدگاه، همان نکته‌ای بود که در ابتدای این نوشتار متذکر شدیم، یعنی اعتراف مجامع بین‌المللی حامی صدام و از جمله شورای امنیت سازمان ملل به نقش صدام در آغاز جنگ که این کار در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۷۰ طی گزارش‌های خاورپرز دکوئیار، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد به شورای امنیت صورت گرفت

و طی آن، ضمن معرفی صدام به عنوان آغاز گر جنگ و توصیف اقدام صدام به عنوان نقض حقوق بین الملل و اصول اخلاقی توضیحات عراق را برای جامعه بین المللی قابل قبول و کافی ندانست.

علاوه بر این اعتراف صریح که جای هر گونه بهانه گیری را سد می کند و مراجعه به شواهد در واقع نشانگر اشتباه در نتیجه گیری های این تحلیل می باشد البته این اشتباه نیز ناشی از اشتباهاتی است که در اطلاعات پایه ای آن وجود دارد، به عبارت دیگر همانطور که می دانیم یکی از شرایط صحت یک استدلال منطقی، صحت اطلاعاتی است که به عنوان پایه آن استدلال قرار می گیرد، این در حالی است که اطلاعات مبنایی تحلیل، دچار ضعف های مهمی است که در نهایت صحت نتیجه را با اشکال مواجه می سازد، چرا که بررسی این اطلاعات حاکی از این است که این اطلاعات از جهت صحت و خطا، سه دسته می باشند:

بخشی از اطلاعات، کاملاً درست می باشد، اما به تنهایی هیچ چیزی را اثبات نمی کند، بخشی دیگر در اصل، واقعیتی دارد اما به جهت هدفی که استدلال گر دارد، آن را به صورت تقطیع شده و تحریف شده بیان می کند و سرانجام دسته سوم از اطلاعات، از اساس، کذب محض می باشد، در نتیجه استدلالی که بر اطلاعات مغشوش بنیان نهاده شده باشد نمی تواند قابل اعتماد باشد.

در این تحلیل، از یک سو سخنان امام خمینی (ره) در زمینه صدور انقلاب مطرح می شود که شک و شبهه ای در آن نیست، اما بحث صدور انقلاب، موضوع دیگری است که ربطی به دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر ندارد.

مروری بر مواضع حضرت امام خمینی (ره) حاکی از این است که ایشان نیز به هیچ وجه به دنبال مداخله در امور داخلی کشورهای همجوار و تنش آفرینی نبودند، به همین دلیل با روی باز و گشاده از هیات های دیپلماتیک کشورهای همسایه استقبال کرده، نامه های آنها را با محبت و احترام تمام پاسخ می دادند و در مجموع رفتار محترمانه امام در قبال دولت های همسایه، با برخی ادعاها که امام را متهم به بی توجهی به دولت های اسلامی و تلاش او برای تحریک ملت ها بر علیه دولت های خود می کند سازگاری ندارد.

علاوه بر این که مواضع رسمی رهبران نظام از جمله امام خمینی (ره) نیز با ادعاهایی که در این زمینه مطرح می شود سازگاری ندارد، چرا که امام خمینی (ره) از همان ابتدا هیچ اعتقادی به مداخله در امور سایر کشورها نداشت و به همین دلیل در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۹ طی سخنرانی در جمع سفراء، دیپلماتها و وابستگان نظامی کشورهای خارجی مقیم ایران می گویند: «...اگر قدرت گرفتن همه دنیا را هم داشته باشیم، بنا بر این نیست، دستور این نیست و برنامه اسلامی این نیست که تجاوز کنیم، لکن یک وجب از مملکت خودمان هم نخواهیم به دیگران

داد». (امام خمینی، ۱۳۸۹)

نکته جالب توجه این است که حضرت امام بعد از گذشت چند سال از شروع جنگ، ضمن پذیرش نظر کارشناسان نظامی جهت ورود به خاک عراق، هدف از آن را نه تصرف خاک این کشور و یا حتی سرنگونی دولت این کشور بلکه دفع حملات توپخانه ای و از بین بردن ماشین جنگی عراق و وادار کردن عراق به صلح عادلانه معرفی کرده و می گویند: «الآن هم که وارد شدیم در خاک عراق برای دفاع است نه برای چیز دیگر، بیایند آن ها کارها (شرایط صلح عادلانه) را انجام بدهند، ما فوراً بر می گردیم، نه بصره را می خواهیم، بصره برادر ماست».

سراپتام آخرین نکته ای که در زمینه علل آغاز جنگ باید عنوان شود این است که کلیه شواهد و قرائن حاکی از آن است که نه صدام و نه هیچ یک از حامیان وی و نه حتی سازمان های بین المللی حتی در زمانی که تلاش داشتند تا از معرفی صدام به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ امتناع نمایند و یا جمهوری اسلامی ایران را به عنوان متهم مطرح نمایند هرگز به مداخلات جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی عراق به عنوان بهانه و آغاز جنگ اشاره نکرده اند به گونه ای که بر اساس اسناد و شواهد موجود، صدام در نطق مشهوری که در مجمع ملی عراق، پیش از آغاز حمله سراسری به ایران انجام داد و در آن قرارداد الجزایر را کان لم یکن تلقی کرد و یا در یادداشت رسمی لغو یکجانبه موافقت نامه الجزایر، صرفاً به مواردی همچون ناعادلانه بودن قرارداد ۱۹۷۵ و یا عمل نکردن ایران به تعهدات خود در این قرارداد و امثال اینها اشاره کرده و هیچ اشاره ای به مداخله ایران در امور عراق به عنوان بهانه آغاز جنگ نشده است.

بر این اساس، این تهاجم، نقشه ای از پیش طراحی شده بود که در راستای اهداف جاه طلبانه حزب بعث و شخص صدام، صورت گرفت و این اتفاق در شرایط خلأهای دفاعی و امنیتی موجود در مرزها که در اثر از هم گسیختگی ارتش پس از پیروزی انقلاب و تحریکات تجزیه طلبانه پیش آمده بود، در هر صورت رخ می داد و به همین دلیل، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی زمانی که هیچ سخنی از جانب حضرت امام خمینی (ره) در زمینه صدور انقلاب و امثال اینها بیان نشده بود، رژیم بعث تحریکات گسترده ای را برای زمینه چینی جنگ آغاز کرده بود که از جمله آنها می توان به این موارد اشاره کرد: اخراج هزاران ایرانی از عراق در نیمه دوم سال ۱۳۵۸، توزیع اسلحه بین عوامل ضد انقلاب، حمایت از بمب گذاران و طراحی انفجارهای مکرر در خطوط راه آهن و تأسیسات نفتی، پناه دادن به ژنرالهای فراری حکومت پهلوی، انتخاب اسامی مجعول برای شهرهای ایران در نقشه ها و کتابهای درسی و الحاق خیالی این شهرها به قلمرو جغرافیائی عراق، تحریکات و تجاوزات مکرر مرزی که در این زمینه دهها مورد یادداشت رسمی اعتراض از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به سفارت رژیم عراق در تهران ارسال شده است.

در همین راستا سید محمود دعایی که زمانی سفیر کشورمان در عراق بود و از نزدیک در جریان تحرکات رژیم بعث قرار داشت در خاطرات خود، آمادگی صدام و رژیم بعث برای حمله به ایران را حتی به دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و یا اعلام مواضع حضرت امام (ره) مربوط می‌داند. (دعایی، ۱۳۸۷)

به عبارت دیگر باید به این نکته توجه داشت که صدام در حقیقت مقدمات جنگ علیه ایران را از آبان ۵۷ (سه ماه قبل از پیروزی انقلاب) آغاز کرد و اولین قرارگاه اطلاعاتی و عملیاتی جنگ را از همان موقع در بصره تاسیس کرد و برادرش برزان تکریتی را مسئول قرارگاه کرد، یعنی با اعلام انحلال ساواک و مراکز قدرت امنیتی و سیاسی رژیم شاه و با فروپاشی نظم سابق و از هم گسستن بدنه ارتش که در واقع پس از فرار سربازان از پادگانهای ایران آغاز شده بود، صدام به فکر انتقام از ایرانیها افتاد و درصدد برآمد تا حقارتی را که در درون از زمان امضای قرارداد الجزایر به دست خودش به دلیل تسلیم در برابر شاه احساس می‌کرد، جبران کند. علاوه بر این انگیزه موثر، او به درستی درک کرده بود که با فروپاشی نظام دیکتاتوری شاه و تشکیل حکومتی مردمی و اسلامی در کنار مرزهایش پایه های دیکتاتوری حزب بعث عراق هم متزلزل می‌شود، پس باید در جهت تضعیف و صدمه زدن به این نظام نوپا از هیچ کوششی دریغ نکند. به اضافه، ماهیت و طبیعت وابستگی صدام به بیگانگان، زمینه تحریک پذیری و تشویق وی را به جنایت فراهم می‌کرد. او برای اینهمه، نیاز به زمینه چینی داخلی و منطقه ای و برداشتن موانع از سر راه داشت. البته «حسن البکر» رئیس جمهور عراق به دلیل پختگی و درک روشن از تجارب جهانی، مانع جدی به حساب می‌آمد. لذا با کودتای درون حزبی، وی را وادار به استعفا کرد و بعد هم از میان برداشت و با به دست گرفتن قدرت تام، اهداف خود را دنبال کرد.

### نتیجه گیری

وقوع انقلاب ایران و آرمان ها و ارزش های آن، تشدید نهضت های بنیادگرای اسلامی در منطقه، نداشتن شناخت لازم و کافی نخبگان حاکم از روندها و فرایندهای منطقه ای و فرمانطقه ای، فقدان استراتژی منطقه ای واقع بینانه و کارآمد، اختلافات داخلی و طرح مسئله صدور انقلاب، هم مبادلات امنیتی منطقه را بر هم زد و هم به طور جدی، منافع غرب را در خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس تهدید و غرب و کشورهای منطقه را بیش از پیش نگران کرد.

با توجه به مجموعه ذکر شده، برخی تحلیل گران در صددند تا کارگزاران نظام جمهوری اسلامی را در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، به در پیش گرفتن سیاست مداخله در امور داخلی عراق و صدور تجهیزات تروریستی

به بهانه صدور انقلاب و به منظور تغییر در ژئوپلیتیک خاورمیانه متهم نموده و آن را به عنوان عامل اصلی آغاز جنگ از سوی صدام، معرفی می کنند و در این راستا مستندات هم ذکر می کنند، این در حالی است که این ادعا با هیچ یک از شواهد و قرائن تاریخی سازگاری ندارد، چرا که اولاً مستندات که در این زمینه ارائه شده و پایه این استدلال قرار گرفته است عمدتاً مغشوش، تحریف شده و یا کذب محض بوده و به همین دلیل نمی تواند ادعا را ثابت کند.

ضمناً واهمه ها و بیم های رژیم های استبدادی از تغییر ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه، ریشه در رهیافتی فکری در روابط بین الملل دارد که معروف به شکنندگی داخلی است که بر اساس آن در این گونه از بحران ها نوعی از نظریه توطئه یا همان تز دایی جان ناپلئونی موثر است. همه تقصیرها و همه چالش ها به گردن دشمنان خارجی انداخته می شود اما مشکل و بحران اصلی، ذات و ماهیت خود رژیم است که آن را ضربه پذیر و خودشکننده می کند. ایران نخواستہ است که با زور و اسلحه گفتمان انقلاب اسلامی را به این کشور صادر کند، رژیم های استبدادی منطقه خاورمیانه از یک شکنندگی درون نظام سیاسی خود رنج می برند که همانا دو بحران، هویت و مشروعیت می باشد. دلیل اصلی واهمه ها و بیم های رژیم بعث عراق نیز ماهیت نظام بحران زده خودش می باشد.

همچنین که با بررسی مجموع مواضع حضرت امام خمینی (ره) در می یابیم که مقصود ایشان از صدور انقلاب، هرگز مداخله در امور داخلی عراق و یا صدور تجهیزات تروریستی به این کشور نبود، و در نهایت اینکه رژیم بعث عراق هم در ادعاهای خود، هرگز به این امور از مداخلات اشاره ای نکرده و صرفاً به بهانه اموری همچون ناعادلانه بودن توافق ۱۹۷۵ و عدم اجرای درست آن از سوی ایران جنگ را آغاز کرد. لذا این نظریه که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در خصوص صدور انقلاب، علت وقوع جنگ عراق علیه ایران می باشد به طور کلی مردود و فاقد دلایل علمی و متقن می باشد.

### منابع

- امام خمینی. (۱۳۱۹). صحیفه امام (جلد ۱۲). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آشوری، د. (۱۳۸۱). دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی). تهران: انتشارات مروارید.
- باقری، ش. (۱۳۹۴). ظرفیت تمدن سازی گفتمان انقلاب اسلامی. تهران: فصلنامه علمی مطالعات

الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. صفحه ۵۹-۱۴

- براتعلی پور، م. (۱۳۹۵). مدیریت بحران‌های سیاسی در فرایند تثبیت انقلاب اسلامی. تهران: چاپ و نشر عروج.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۰). دانش سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- تاجیک، م. (۱۳۸۴). مدیریت بحران: نقادی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران. تهران: فرهنگ گفتمان.
- خرمشاده، م. (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در رویکرد نظری. تهران: فصلنامه اندیشه انقلاب.
- دعایی، س. م. (۱۳۸۷). گوشه‌ای از خاطرات حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی. تهران: انتشارات عروج.
- دهشیری، م. (۱۳۸۰). حمایت از نهضت‌های آزادیبخش و آزادی‌خواه و مستضعف. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروز آبادی، س. و رادفر، ف. (۱۳۸۹). الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سیمیر، ر. (۱۳۹۷). سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران: فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۲، پاییز و زمستان، صفحه ۱۰۷-۱۳۸.
- صادقی، س. (۱۳۸۹). تئوری‌های انقلاب. تهران: ۱۳۸۹.
- فرزندی، ع. (۱۳۹۵). صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره). تهران: کانون اندیشه جوان.
- فلاح نژاد، ع. (۱۳۸۴). سیاست صدور انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کامروا، م. (۱۳۷۸). تحلیل ساختاری از دولت‌های غیردمکراتیک و آزادسازی سیاسی در خاورمیانه. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۴۱-۱۷۸.
- کوشا، م. (۱۳۸۷). دانستنی‌های سیاست، هویت. تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات.
- معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه. (۱۳۷۱). مواضع نهضت آزادی در مقابل انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- یزدان پناه، م. (۸۱، آبان). برنامه ریزی و مدیریت بحران. مجله تدبیر، شماره ۱۲۷، صفحه ۵۱-۵۶.
- یزدان فام، م. (۱۳۸۸). خاورمیانه و جنگ عراق و ایران. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.



- **Brinton Crane, C** .(۱۹۶۵) *The Anatomy of Revolution* .(جلد ۲) New York: Anchor Books.
- **Ehala, M** .(۲۰۱۸) *The Anatomy of Belonging* London: Taylor & Francis Group.
- **Fox, J** .(۲۰۰۸) *a world Survey of religion and the state* New York: cambridge university.
- **Mc Carthy, S** .(۱۹۹۸) *The Function of Intelligence in Crisis Management* . London: Dartmouth Pub Co.

پاییز فتنه شده برای انتشار